

The Practical Challenges of the Law of Reducing the Punishment of Imprisonment in the Judicial Procedure with an Emphasis on the Crime of Fraud and Theft

Gholam-Hassan Kooshki

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Ruhollah Zandi*

Doctoral student of criminal law and criminology, faculty of humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

The law “Mitigating Ta'ziri Imprisonment Punishment” was approved in July 2019 with the aim of de-imprisonment by accepting a relative standard to consider theft and fraud crimes as forgivable, leading to challenges and gaps in terms of form and substance. Today, with the identification of the disadvantages of deprivation of liberty and the failure of the prison system in rehabilitating criminals, penal systems, under the influence of criminological teachings and criminological findings such as the increase in recidivism and the crime-causing nature of prisons, are more and more limited in terms of punishment. They have become anti-freedom. On the other hand, the bad effects of this punishment were noticed by criminologists, and today, although many efforts have been made to improve the condition of the prison, the reformation and treatment of criminals, which was considered one of the main goals of this punishment, doubts still prevail. It became serious, and experience showed that, with the help of recidivism statistics, repeated professional crimes are more often committed by those who have had a history of prison. In this way, imprisonment is not only ineffective in rehabilitating and reforming criminals, but also harming the country's economy.

By approving the law on mitigating penal punishment, the legislator implemented the policy of de-imprisonment through the development of *erfaq* institutions, reducing the amount of imprisonment and increasing the range of forgivable crimes. Although the mentioned law is useful in mitigating the prison sentence, it has caused wide challenges and created gaps in the legal system and judicial procedure. The challenges related to the relative

* Corresponding Author: rzandi710@gmail.com

How to Cite: Kooshki, G. H., & zandi, R. (2023). The Practical Challenges of the Law of Reducing the Punishment of Imprisonment in the Judicial Procedure with an Emphasis on the Crime of Fraud and Theft. *Journal of Criminal Law Research*, 12(45), 121-152. doi: 10.22054/jclr.2024.70886.2535.

impossibility of fraud and theft crimes due to their amounts are one of the factors that have caused changes in the process of criminal prosecution. In the discussion of the initiation of prosecution and actions of the bailiffs in this field, despite the many differences between the jurists, it seems that the principle is that these crimes are unforgivable and the criminal prosecution by the bailiffs is based on the assumption of committing the above crimes.


In the matter of determining the appropriate order, the judicial authority should determine the monetary penalty for the issuance of the security order, regardless of whether the crimes are forgivable and based on the initial estimate, and after referring to the expert, he can determine the necessary amount. On the other hand, the most important challenge that has caused a strong difference in the judicial procedure is the issue of the number of crimes that can be forgiven and the appropriate criteria for determining the crimes that can be considered forgivable. It should be such that it justifies the application of the aggregate criterion, despite such a criterion, there is still a wide difference of opinion among the judicial authorities, and it is better to determine the task through a unanimous vote on the above issue. Among the other loopholes governing the law on reducing the punishment of imprisonment are related to the calendar of non-calendarable property, obtaining biometric records and interpreting the concept of the absence of a victim in fraud-related crimes, which should be addressed by the legislator. In addition to the above challenges, which mainly covered issues and cases related to formal matters, some challenges also governed substantive issues and cases. The results indicate that the formal challenges in this field are mainly related to the stage of starting criminal prosecution by the officers and the preliminary investigation stage that oversees the issue of paying expert fees and issuing orders to secure and calendar non-calendarable property and obtaining biometric records. Also, the substantive challenges are related to the criterion of considering the crimes as forgivable in the assumption of multiple crimes, determining the monetary punishment in the assumption of multiple and the resistance of the judges to the given law. In this talk, it has been tried to explain each of the above challenges and then solve them with a descriptive-analytical method.

Keywords: Punishment Mitigation, De-imprisonment, Relatively Forgivable Crimes, Theft and Fraud, Practical Challenges.




چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه‌ی قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری و سرقت

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

غلامحسن کوشکی 

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

روح‌اله زندی* 

چکیده

قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری» با هدف حبس‌زدایی با پذیرش معیار نسبی برای قابل گذشت دانستن جرایم سرقت و کلاهبرداری منجر به بروز چالش و خلاءهایی در زمینه‌ی شکلی و ماهوی در تیرماه سال ۱۳۹۹ تصویب گردید. از جمله چالش‌های شکلی در این زمینه عمدتاً مربوط به مرحله‌ی شروع به تعقیب کیفری توسط ضابطان و مرحله‌ی تحقیق مقدماتی ناظر بر موضوع پرداخت هزینه‌ی کارشناسی و صدور قرار تأمین و تقویم اموال غیرقابل تقویم و اخذ سوابق بیومتریک و در نهایت مفهوم فقدان بزه‌دیده برای قابل گذشت دانستن جرایم فوق می‌باشد. همچنین چالش‌های ماهوی نیز ناظر بر ملاک قابل گذشت دانستن جرایم در فرض تعدد جرم، تعیین مجازات جزای نقدی در فرض تعدد و مقاومت قضات نسبت به قانون مزبور می‌باشد. در این نوشتار سعی شده است که هر یک از چالش‌های فوق تبیین گردیده و سپس با روش توصیفی-تحلیلی به حل آن‌ها پرداخته شود.

واژگان کلیدی: قانون کاهش حبس تعزیری، حبس‌زدایی، جرایم قابل گذشت نسبی، سرقت و کلاهبرداری، چالش‌های عملی.

مقدمه

امروزه با مشخص شدن معایب مجازات سالب آزادی و عدم موفقیت نظام زندان‌ها در بازپروری بزهکاران، نظام‌های کیفری تحت تأثیر آموزه‌های کیفرشناسی و یافته‌های جرم‌شناسی مانند افزایش تکرار جرم و جرم‌زا بودن زندان، بیش از پیش به محدود کردن موارد مجازات سالب آزادی گرایش پیدا کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، تیرگرفاخری، ۷۷: ۱۰۲). هرچند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه‌ی مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم، ولی پس از جنگ دوم جهانی، تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه‌ی رعایت و احترام به حقوق بشر - بویژه با صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی - حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بازتعریف شد (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷: ۶۸). از سوی دیگر آثار سوء این مجازات مورد توجه جرم‌شناسان و کیفرشناسان قرار گرفت و امروزه با وجود تلاش‌های فراوانی که برای بهبود وضعیت زندان صورت گرفته است، اصلاح و درمان بزهکاران که بعنوان یکی از اهداف اصلی این مجازات مورد توجه بود، با تردیدهای جدی روبه‌رو شد (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۸) و تجربه به مدد آمار تکرار جرم نشان داد ارتکاب مکرر جرم به صورت حرفه‌ای بیشتر توسط کسانی که سابقه‌ی زندان داشته‌اند، اتفاق می‌افتد (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۹۶). به این ترتیب، مجازات زندان نه تنها در بازپروری و اصلاح مجرمان مؤثر نمی‌باشد، بلکه ضمن لطمه به اقتصاد کشور به مثابه‌ی محیط آموزش جرم در انتقال فرهنگ مجرمانه به مجرمان تازه‌کار و تبدیل آن‌ها به مجرمین حرفه‌ای نقش بسزایی ایفاء می‌کند.

توجه به حق آزادی بعنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از یک طرف و آثار سوء و مخرب مجازات زندان از طرف دیگر دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا تدابیری را جهت کاهش جمعیت زندانیان اتخاذ نمایند. در نتیجه، امروزه در کنار سیاست‌های

جرم‌زدایی^۱ و قضازدایی^۲ که هر کدام به نحوی باعث می‌شود از مشتریان نظام کیفری کاسته شود، سیاست کیفرزدایی^۳ مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته است (بهره‌مند، ۱۳۹۵: ۳۵۸). کیفرزدایی یک جنبش نوین در چهارچوب سیاست کیفری نظام‌مند است که اهداف اساسی آن تعدیل و متناسب نمودن خاصیت کیفری مجازات و یا حذف کیفری از یک رفتار مجرمانه و جایگزین نمودن اقدامات غیرکیفری در جهت اصلاح و تربیت مجرم است به طوری که با نیازها و تعهد جامعه هماهنگ باشد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۴). یکی از مصادیق بارز کیفرزدایی در خصوص مجازات حبس، توسل به اقدامات جایگزین می‌باشد که می‌توان آن را در قالب سیاست حبس‌زدایی مورد توجه قرار داد. پیشینه‌ی این اندیشه در نظام کیفری ایران مربوط به سال ۸۳ و ۸۴ می‌باشد. نظام قضایی ایران در دهه‌ی هفتاد از مجازات شلاق و جزای نقدی به سوی مجازات حبس پیش رفت، اما در این مسیر دچار افراط گردید و این باعث شد که در دهه‌ی ۷۰ با خیل عظیم قوانین حبس‌گرا مواجه شود. به گونه‌ای که در سال ۸۱ مرکز پژوهش‌های مجلس بیان داشت که در هر ۵۱ ثانیه یک نفر ایرانی حبس می‌شود و همین عامل باعث گردید که زندان‌ها دیگر گنجایش نداشته باشند. در سال ۱۳۸۴ لایحه‌ی مجازات‌های جایگزین حبس توسط شورای حقوقی قوه‌ی قضائیه تهیه و به مجلس ارسال گردید اما به سرانجامی نرسید تا اینکه در سال ۹۲ تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس وارد قانون مجازات گردید و عاملی شد تا بتوانیم به این نتیجه برسیم که می‌توان اعمال مجازات حبس را کاهش داد. بعد از تصویب قانون ۹۲ مشخص گردید که مجازات‌های جایگزین حبس کارایی لازم را در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها ندارند. همین عامل باعث گردید تا مجلس در سال ۹۸ طرحی را به نام طرح کاهش مجازات حبس تعزیری تهیه کند و به تصویب برساند. سیاست حبس‌زدایی با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری چهره‌ای نو به خود گرفت و در قانون مذکور در زمینه‌ی حبس‌زدایی انقلاب و دگرگونی عمیقی را منجر شد. قانون کاهش حبس تعزیری ضمن حذف کیفر حبس از برخی جرایم،^۴

1. Decriminalization.

2. Diversion.

3. Depenalization.

۴. بعنوان نمونه: جرم توهین به اشخاص عادی (ماده‌ی ۶۰۸ تعزیرات) و همچنین جرم افترا (ماده‌ی ۶۹۷ تعزیرات).

با پذیرش تبدیل مجازات حبس در مقام تخفیف، توسعه‌ی دامنه‌ی جرایم مشمول نهادهای ارفاقی و کاستن از دامنه‌ی جرایم ممنوع از مقررات تعویق و تعلیق صدور حکم و ... مبتنی بر تسامح نسبت به جرایم تعزیری بوده و نقش بسزایی را در کاهش اعمال مجازات حبس ایفا نمود. یکی از دستاوردهای قانون کاهش حبس تعزیری توسعه‌ی جرایم قابل گذشت و تنصیف مجازات آن‌ها بوده است. از جمله، جرم کلاهبرداری و جرایم در حکم آن با لحاظ این شرط که حد نصاب آن از یک میلیارد ریال بیشتر نباشد قابل گذشت می‌باشند. همچنین با لحاظ دو شرط چهار نوع از سرقت‌های تعزیری قابل گذشت اعلام و مجازات آن‌ها نیز به نصف تقلیل یافته است. شرط نخست مربوط به مبلغ موضوع جرم است که نباید از ۲۰۰ میلیون ریال بیشتر باشد و شرط دوم مربوط به شخص متهم است که باید فاقد سابقه‌ی محکومیت کیفری مؤثر باشد (روستایی، رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۶۵). پذیرش چنین معیاری باعث تحقق چالش‌هایی هم در بعد شکلی و هم در بعد ماهوی گردید. چالش‌های شکلی شامل چگونگی دخالت ضابطان در مرحله‌ی کشف جرم، پرداخت هزینه‌ی کارشناسی، صدور قرار تأمین کیفری، تفسیر مفهوم فقدان بزه‌دیده در جرایم کلاهبرداری، تقویم اموال غیر قابل تقویم و چالش‌های ناظر بر اخذ اطلاعات بیومتریک می‌باشد. از طرف دیگر چالش‌های ماهوی بحث نیز در قسمت چالش مربوط به تعیین ملاک قابل گذشت دانستن جرایم، چالش مربوط به تعیین جزای نقدی و رویکرد مقاومت قضات نسبت به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قابل توجه است که به تفصیل به هر یک از این چالش‌ها خواهیم پرداخت.

۱. چالش‌های ماهوی ناشی از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

عمده چالش‌های مربوط به مرحله‌ی ماهوی، ناظر بر موضوع معیار قابل گذشت بودن در فرض تعدد جرم، تعیین جزای نقدی در فرض تعدد جرایم و همچنین رویکرد مقاومت گونه‌ی قضات نسبت به اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱. ملاک قابل گذشت دانستن جرایم در فرض تعدد آن‌ها

اولین چالشی که ممکن است در هنگام رسیدگی نسبت به جرایم کلاهبرداری و سرقت تحقق پیدا کند، چالش ناظر بر تعیین ارزش مال موضوع جرم می‌باشد. به این معنا که در صورت ارتکاب جرایم متعدد آیا مقام قضایی جرایم را به نحو تجميع ملاک قرار می‌دهد یا مستقل از یکدیگر؟ در خصوص این موضوع بین حقوقدانان و همچنین رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از حقوقدانان اعتقاد دارند که در چنین موضوعی باید کلیه جرایم در جمع با یکدیگر ملاک قابل گذشت بودن قرار گیرند. بر اساس یک نظر ما در تعدد جرایم به نحو ارتکاب جرایم مشابه با موضوع حرفه‌ای شدن مجرم مواجه هستیم که در چنین شرایطی مجرم دارای خطر بیشتری نسبت به مرتکبین جرایم متعدد اتفاقی است.

بنابراین، متهم در چنین شرایطی سزاوار برخورد شدیدتری از سوی قوانین کیفری می‌باشد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۲). از طرف دیگر یکی از شرایطی که باعث می‌شود فرد مرتکب تعدد جرم نشود ارتکاب جرایم به نحو متحدالمقصد می‌باشد، این جرم که از آن به جرم مکرر و متوالی هم تعبیر شده، جرمی است که از یک سلسله اعمال متوالی تشکیل شده است که هر یک به تنهایی جرم می‌باشد؛ ولی از آنجا که مجموع اعمال ارتكابی طبع یکسان دارند و با قصد واحد نسبت به مجنی علیه واحد صورت می‌گیرد چنین جرمی را واحد دانسته و از شمول مقررات تعدد خارج می‌دانند (بسامی، ۱۳۹۸: ۴۱). به نظر می‌رسد که اگر تکرار اعمال مجرمانه در نتیجه قصد واحد و با فاصله‌ی زمانی کوتاه از هم و بر روی هدف مجرمانه‌ی واحد و همچنین در مکان واحد صورت گرفته باشد می‌توان جرایم ارتكابی را واحد تلقی نمود. شعبه‌ی پنجم دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره‌ی ۴۶۹ به این موضوع اشاره دارد که «گرفتن یک مبلغ از یک شخص در چند نوبت موجب بروز تعدد جرم نخواهد بود» (بسامی، ۱۳۹۸: ۴۲). گروهی از فقها نیز همسو با ملاک اخیر نظر داده‌اند. علامه حلی راجع به شخصی که مال را از حرز خارج می‌کند و دوباره رجوع می‌کند و مالی دیگر را می‌رباید، معتقد است که اگر در فاصله‌ی میان رفتن و برگشتن سارق، مالک از سرقت ارتكابی آگاه نشود و زمان هم طولانی نباشد یک سرقت محسوب می‌شود (حلی، ۱۴۲۰: ۳۷۲). همچنین

شهید ثانی نیز بر همین اساس معتقد است که اگر در فاصله‌ی میان رفت و برگشت سارق، مالک از دزدی آگاه نشود و زمان رفتن و برگشتن سارق هم طولانی نباشد عمل فوق عرفاً یک سرقت محسوب می‌شود، اگرچه سارق چندین بار اقدام به سرقت کرده باشد (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). این دیدگاه در رویه‌ی قضایی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. بعنوان نمونه در خصوص مشارکت در دو فقره کلاهبرداری با وجود شرایط قابل گذشت بودن هریک از جرایم به طور مستقل، دادگاه ارزش اموال مسروقه مجموع جرایم ارتكابی را مناط قابل گذشت بودن یا نبودن قرار داده و به همین دلیل با وجود گذشت شاکی خصوصی صرفاً اقدام به تخفیف مجازات نموده است. علاوه بر نظرات فوق، برخی آرای دادگاه‌های کیفری نیز مستند بر این معیار صادر شده است از جمله آنان:

«در خصوص اتهام آقای ... مبنی بر مشارکت در سه فقره سرقت تعزیری از آنجایی که مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بزه سرقت تعزیری موضوع ماده‌ی ۶۵۶ قانون تعزیرات با تحقق دو شرط فقدان سابقه‌ی محکومیت کیفری مؤثر و کمتر بودن ارزش مال مسروقه از دویست میلیون ریال قابل گذشت محسوب شده و مجازات حبس آن نیز به نصف تقلیل یافته است، نامبرده نیز مشمول هر دو شرط بوده و شروط مزبور در خصوص ایشان نیز محقق می‌باشد»^۱. همچنین «در خصوص اتهام آقای ... مبنی بر مشارکت در دو فقره کلاهبرداری با وجود شرایط قابل گذشت بودن هریک از جرایم به طور مستقل، دادگاه ارزش اموال مسروقه مجموع جرایم ارتكابی را مناط قابل گذشت بودن یا نبودن قرار داده و به همین دلیل با وجود گذشت شاکی خصوصی صرفاً اقدام به تخفیف مجازات نموده است»^۲ و در آخر «در پرونده‌ی آقای ... به اتهام سه فقره سرقت، دادگاه با تجمیع مبالغ مذکوره در هر سه فقره به لحاظ تجاوز از نصاب ریالی مقرر در قانون کاهش در فرض تجمیع هر سه فقره جرم را غیرقابل گذشت اعلام نموده است، این در حالی است که برخی از سرقت‌های

۱. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۷۶۳۱۱۲۰۰۸۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ صادره از شعبه‌ی ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان آبادان.

۲. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۷۰۹۹۸۶۳۰۴۰۰۱۴۰۹ مورخ ۹۹/۰۲/۲۹ صادره از شعبه‌ی ۲ دادگاه تجدیدنظر خوزستان.

چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه قضایی...؛ کوشکی و زندی | ۱۲۹ |

مذکوره در فرض فوق در صورت اعمال ملاک ارزیابی مستقل قابل گذشت تلقی می‌شدند.^۱

اما گروهی دیگر از حقوقدانان اعتقاد بر این موضوع دارند که در صورت ارتکاب جرایم متعدد باید ارزش هر جرم به طور مستقل و جدا از جرایم دیگر ملاک قرار گیرد. از جمله دلایل این دسته از حقوقدانان استناد به یک قاعده‌ی فلسفی - حقوقی می‌باشد که بر اساس آن هر مسببی، سببی دارد، بنابراین اگر چهار مسبب وجود داشته باشد می‌بایست دارای ۴ سبب باشیم که منظور از سبب نیز سبب تام است نه سبب ناقص. در موضوع جرم نیز به همین صورت است، بنابراین اگر ۴ جرم وجود داشته باشد هر یک از این جرایم موجب تحقق یک مجازات به نحو مستقل و جدا می‌گردند. از طرف دیگر در موضوع تعدد جرم، تجمیع ارزش اموال موضوع جرم جهت تعیین میزان مجازات حکمی خاص و استثنایی است که قانون‌گذار آن را به نحو محدود در جرایمی از قبیل رفتار مجرمانه اختلاس و صدور چک پرداخت نشدنی و برخی از جرایم مندرج در قانون مجازات نیروهای مسلح پذیرفته است که بر اساس آن اگر فرد مرتکب جرایم متعددی گردد مجموع مبالغ تجمیع شده ملاک تعیین مجازات قرار می‌گیرد، بنابراین حکم فوق‌الاشعار حکمی خاص است که باید در محدوده‌ی نص تفسیر گردد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۴) که این موضوع در تعیین قابل گذشت بودن جرایم قابل گذشت نسبی متعدد نیز صدق می‌کند. بنابراین، تجمیع ارزش جرایم متعدد جهت احراز قابل گذشت بودن یا نبودن آن‌ها امری خلاف قاعده است. علاوه بر این اداره حقوقی قوه قضائیه مقرر داشته است که در فرض تعدد جرم، برای احراز قابل گذشت بودن جرایم باید هر جرم به طور مستقل ملاک قرار گیرد.^۲ این دیدگاه در رویه قضایی نیز مورد پذیرش واقع شده است. بعنوان نمونه: «در خصوص اتهام آقای ... دایر بر مباشرت در پنج فقره کلاهبرداری (کمتر از یک میلیارد ریال)، مبالغ اخذ شده از نصاب مقرر در ماده‌ی ۳۶ ق.م.

۱. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۸۶۱۳۹۲۰۰۱۴۷ صادره از شعبه‌ی ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بهبهان.

۲. نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۹/۴۳۱ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه: «در مواردی که قابل گذشت بودن جرم مشروط به نصاب ریالی معین است. در صورت تعدد جرم هر یک از جرایم اعم از مختلف یا غیر مختلف جداگانه مدنظر قرار می‌گیرد مگر اینکه عرفاً یک جرم محسوب بشود.»

۱ مصوب ۱۳۹۲ کمتر بوده و بزه معنونه حسب ماده‌ی ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری قابل گذشت محسوب می‌شود و شکات نیز حسب لوایحی گذشت خود را اعلام نموده اند لذا دادگاه به استناد به مواد مذکور و ماده‌ی ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار موقوفی متهم را صادر می‌نماید.^۱ همچنین می‌توان به دادنامه‌ی صادره از شعبه‌ی ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان نیز اشاره کرد. حسب دادنامه‌ی مذکور دادگاه در مقام تجمیع احکام مستنداً به بند «ب» ماده‌ی ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ارتکاب ۱۳ فقره کلاهبرداری ارزش اموال هر یک از جرایم مذکور را به نحو مستقل مورد ملاک قرار داده و تمامی جرایم مزبور را قابل گذشت دانسته است.^۲ علاوه بر این «در پرونده‌ی آقای ... متهم به هفت فقره کلاهبرداری، دادگاه علی‌رغم اینکه جمع مبالغ مذکوره در هفت فقره کلاهبرداری از حد نصاب معین شده در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری عبور کرده است، هر یک از جرایم را به نحو مستقل ملاک عمل قرار داده و قابل گذشت دانسته و در نتیجه با گذشت شکات اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده است.»^۳ همچنین «در پرونده‌ی آقای ... به اتهام دو فقره کلاهبرداری با مبلغ متغیر مقام قضایی دو فقره کلاهبرداری را از یکدیگر تفکیک نموده و یکی از جرایم مذکور را قابل گذشته دانسته است. این در حالی است که در صورت تجمیع مبالغ مذکور، هر دو جرم در زمره‌ی جرایم غیرقابل گذشت قرار می‌گرفت»^۴ و در آخر «در پرونده آقای ... به اتهام یک فقره سرقت پمپ آب و یک فقره سرقت موتور سیکلت مقام قضایی هر یک از جرایم مذکور را به نحو مستقل ملاک ارزیابی قرار داده و یک فقره سرقت را قابل گذشت و سرقت دیگر را به دلیل رسیدن به نصاب مقرر در قانون کاهش مجازات غیرقابل گذشت دانسته است.»^۵

۱. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۱۱۵۵۸/۱۳۹۰۰۴۱۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۶ صادره از شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بهمنی.

۲. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۲۷۶۶/۱۳۹۰۰۳۷۳۹۰۰۰۰ صادره از شعبه‌ی ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان.

۳. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۷۷۴۲۴۴۵۵۶۴۷/۱۳۹۰۰۳۷۳۹۰۰۰۰ صادره از شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ بهمنی

۴. ن. ک: دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۴۴۵۰۳۰۳/۱۳۹۰۰۳۷۳۹۰۰۰۰ صادره از شعبه‌ی ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ اهواز ۱۴/۰۸/۱۴۰۰.

۵. ن. ک: دادنامه‌ی صادره از شعبه‌ی ۱۰۵ دادگاه کیفری ۲ اهواز.

با توجه به استدلال‌ات و آرای ذکر شده به نظر می‌رسد در تعیین قابل گذشت بودن یا نبودن جرایم کلاهبرداری و سرقت باید به کیفیت جرم ارتكابی اعم از متحدالمقصد بودن یا نبودن آن، وحدت یا تعدد مجنی‌علیه، وحدت زمان و مکان جرم توجه شود. در صورتی که جرایم به نحو متحدالمقصد، با وحدت مجنی‌علیه و همچنین وحدت زمان و مکان ارتكاب یابند یک جرم بوده و باید ارزش اموال موضوع جرایم مذکور مجموعاً ملاک قابلیت گذشت بودن آن‌ها قرار گیرد و در غیر این صورت، جرایم متعدد بوده و معیار، ارزش اموال موضوع هر یک از جرایم مذکور بطور مستقل می‌باشد، همانطور که شعبه‌ی دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره‌ی ۱۱۱۱ مورخ ۱۳۲۵/۸/۲۱ در تحقق عنوان تعدد، تعدد محل، نوع مال، تاریخ ارتكاب و تصمیم سارق را از ابتدا امر مؤثر دانسته است.^۱

۱-۲. ابهام مربوط به تعیین جزای نقدی در فرض تعدد جرایم

یکی دیگر از چالش‌هایی که در اثر اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با آن مواجه می‌باشیم تعیین جزای نقدی در فرض تعدد جرم کلاهبرداری است. بعنوان مثال در شرایطی که فرد مرتکب جرایم متعدد گردیده، در مقام اعمال مجازات، مبلغ جزای نقدی می‌بایست با یکدیگر جمع گردد یا صرفاً اجرای یک مجازات جزای نقدی کافی است؟

پیش از ورود به چالش مذکور باید اشاره کرد به سه شکل می‌توان با موضوع تعدد مادی برخورد نمود. یکم: ساده‌ترین سیستم برای موضوع تعدد، سیستم جمع مجازات‌هاست، دوم: قاعده‌ی دیگر در تعدد، اجرای مجازات اشد است که در آن مجازات جرمی که شدیدتر است اعمال می‌شود که قانون‌گذار چنین ملاکی را در موضوع تعدد معنوی پذیرفته است و سوم: اعمال تشدید مجازات یا اعمال حداکثر مجازات یا فراتر از حداکثر مجازات است که ملاک قانون‌گذاری در سال ۹۲ برای قانون‌گذار بود (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۵). اما در فرض تعدد بین حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد. دسته‌ای از حقوقدانان استناد می‌کنند که در

۱. در تحقق عنوان جرم سرقت، تعدد محل سرقت و اختلاف مال مسروق و تاریخ ارتكاب و تصمیم سارق از بدو امر مؤثر است. بنابراین اگر دزدی از ابتدا تصمیم به خالی کردن انبار غله‌ای را داشته منتهی در یک شب مقدر نبوده و در دو شب انجام گرفته باشد، با این حال عمل تعدد نیست تا مشمول ماده‌ی ۲ الحاقی گردد.

فرض تعدد جرم ما با تعدد مسبب مواجه هستیم که تعدد مسبب موجب تعدد اسباب می‌شود، بنابراین در فرضی که متهم مرتکب سه فقره کلاهبرداری گردیده دارای سه مسبب می‌باشیم که هر یک از این مسبب‌ها اسباب جداگانه‌ای را می‌طلبد که در نتیجه چنین استدلالی مقام قضایی باید حکم به تجمیع جزای نقدی در سه فقره کلاهبرداری بدهد. اما گروهی دیگر از حقوقدانان نیز اعتقاد دارند که در فرض تعدد جرایم موضوع کلاهبرداری قانون‌گذار تمام مجازات‌ها را در حکم تصریح کرده ولی با وجود این تنها به یک فقره جزای نقدی حکم می‌دهد (میرمحمد صادقی، پیشین: ۱۲۰).

با این حال به نظر می‌رسد نظر دسته‌ی دوم از حقوقدانان به آنچه مقصود قانون‌گذار است نزدیک‌تر باشد به دلیل اینکه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ نظام حاکم بر تعدد جرایم را سیستم جمع مجازات قرار داده بود، اما با تغییراتی که در سال ۹۲ در نظام حاکم بر تعدد جرایم پدید آمد و در نظام قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تغییری پیدا ننموده است، قانونگذار سیستم اعمال مجازات واحد را برای حالت تعدد جرم پیش‌بینی کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد که قضات در مواجهه با موارد فوق باید تنها به یک جزای نقدی حکم صادر نمایند.

۳-۱. مقاومت برخی قضات نسبت به اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری یکی دیگر از چالش‌هایی که در اثر اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در نظام قضایی پدید آمد، چالش مربوط به مقاومت برخی از قضات در برابر سیاست‌های مسامحه‌آمیز قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و همچنین حمایت برخی از قضات از قانون مزبور می‌باشد. از منظر جامعه‌شناسی تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می‌تواند در اجرای احکام مؤثر باشد (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۵۷). تصمیم‌گیری قضایی مهم‌ترین رکن هر دعوا است و در پرونده‌های کیفری افزون بر محتویات و حقایق پرونده به شخصیت متهم و بزه‌دیده و کارکرد نهادهای ارفاقی باز می‌گردد (پورقهرمانی، نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۳۵).

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با هدف کاهش مجازات حبس که می‌توانست آثار مخربی را بر مجرمین و جامعه تحمیل کند تصویب شد. از جمله ویژگی‌های قانون مذکور را می‌توان توسعه‌ی نهادهای ارفاقی، الزام مقام قضایی به صدور حکم به حداقل مجازات، افزایش دامنه‌ی جرایم قابل گذشت و کاهش میزان مجازات آنان دانست. مجموع چنین ویژگی‌هایی باعث گردید تا سیاست جنایی نسبت به مجرمین مبتنی بر تسامح باشد. به همین علت در مصاحبه‌ای که با تعدادی از قضات دادگاه و دادرهای خوزستان انجام گرفت، برخی از قضات رسیدگی‌کننده مخالف این سیاست جنایی نسبت به مجرمین بودند. به عقیده‌ی آنان چنین رویه‌ای نمی‌تواند بازدارندگی مدنظر را در بین اشخاص مجرم ایجاد کند و همین عامل باعث گردیده که مقامات قضایی تا حد امکان در برابر اعمال مقررات مربوط به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقاومت کنند. بطور مثال در یکی از آرای که در این زمینه از یکی از دادگاه‌های کیفری دو صادر گردید، مقام قضایی رسیدگی‌کننده چنین استدلال کرده که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به نحوی غیرعلمی، غیربازدارنده نگارش یافته و در آینده‌ی نزدیک موجب تجری مجرمین سابقه‌دار و برهم خوردن نظم عمومی و ناامیدی مردم از دستگاه قضایی و گسترش دادگستری خصوصی می‌شود. از سوی دیگر در مصاحبه با تعدادی از قضات ستادی با توجه به آشنایی قضات مزبور از وضعیت جرم‌زا بودن محیط زندان‌ها و بی‌فایده بودن اعمال چنین مجازاتی نسبت به مجرمین و همچنین اطلاع کامل از مشکلات و تبعات منفی که مجازات حبس می‌تواند نسبت به مجرمین به بار آورد و همچنین شکست برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمین در محیط زندان که باعث می‌گردید مرتکبین پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم گردند، مشخص گردید که مقامات فوق از سیاست جنایی حاکم بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری حمایت می‌کنند. بر همین اساس و مبتنی بر اجرای قانون مذکور بخشنامه‌هایی در این زمینه تنظیم گردیده و در این بخشنامه‌ها تکالیف و وظایفی برعهده‌ی قضات دادگاه‌ها قرار داده شده است از جمله این تکالیف آن است که قضات مکلف شدند ماهانه دو مرتبه نسبت به زندان‌ها و وضعیت زندانیان سرکشی نمایند.

۲. چالش‌های شکلی مربوط به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

در این بخش از پژوهش چالش‌های شکلی مربوط به جرایم کلاهبرداری و سرقت در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مرحله‌ی شروع به تعقیب کیفری و مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چالش‌ها عبارتند از: چالش مربوط به دخالت یا عدم دخالت ضابطان در مرحله‌ی کشف جرم، چالش مربوط به شناسایی مسئول پرداخت هزینه‌ی کارشناسی، چالش مربوط به صدور قرار تأمین کیفری، چالش ناظر به شرط «داشتن بزه‌دیده» در جرم کلاهبرداری، چالش ناظر بر اموال مسروقه‌ی غیرقابل تقویم و نهایتاً چالش ناظر بر اخذ اطلاعات بیومتریک در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی که به همین ترتیب مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱. دخالت یا عدم دخالت ضابطان در مرحله‌ی کشف مقدماتی

جهات شروع به تعقیب کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری برحسب نوع جرم ارتكابی متفاوت است.^۱ هر جرم دارای دو جنبه‌ی عمومی و خصوصی است و در برخی جرایم جنبه‌ی خصوصی جرم بر جنبه‌ی عمومی آن غلبه دارد به گونه‌ای که عرف، ذینفع اصلی از ارتكاب جرم را شخص یا اشخاصی می‌داند که از ارتكاب جرم متضرر شده‌اند. تعقیب این جرایم توسط دادستان مستلزم طرح شکایت شاکی خصوصی است (خالقی، ۱۳۹۶: ۸۸). به این جرایم در اصطلاح جرایم قابل گذشت گفته می‌شود. از طرف دیگر تمامی جرایم دارای جنبه‌ی عمومی هستند و این جنبه در برخی از آن‌ها به قدری اهمیت دارد که دادستان بدون شکایت شاکی خصوصی نیز می‌تواند بر اساس اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، اظهار و اقرار متهم و اطلاع جرم به طرق قانونی دیگر موضوع را تعقیب نماید (خالقی، ۱۳۹۶: ۴۹). چنین جرایمی نیز به جرایم غیرقابل گذشت معروف هستند؛ اما قانون‌گذار در مقررات مربوط به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

۱. ماده‌ی ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است: الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی. ب) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن. پ) وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس. ت) اظهار و اقرار متهم. ث) اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر».

برای برخی از جرایم معیار نسبی را برای قابل گذشت بودن آن‌ها در نظر گرفته است که جرایم سرقت و کلاهبرداری نیز در دسته مذکور قرار می‌گیرند. پذیرش این معیار می‌تواند اشخاص ضابط دادگستری را در نحوه مواجهه با این جرایم دچار مشکل کند. در زمینه نحوه مواجهه با این جرایم حقوقدانان به دو دسته تقسیم می‌گردند. مطابق نظریه نخست چنین شخصی در پرتو اصل برائت است، مضافاً اصل عدم زیادت و اکتفا به قدر متیقن نیز بیانگر این موضوع است، به این معنا که اگر بین دو مبلغ برای تعیین میزان ارزش مال موضوع جرم در تردید باشیم و بر اساس یک مبلغ جرم قابل گذشت و بر اساس مبلغ دیگر جرم غیرقابل گذشت باشد، به کمک اصل عدم زیادت به مبلغ کمتر رجوع کرده و جرم را قابل گذشت قلمداد می‌نماییم و بر اساس اکتفا به قدر متیقن، نسبت به قابل گذشت بودن جرم مزبور یقین و در غیرقابل گذشت بودن آن تردید می‌نماییم که بر این اساس به قابل گذشت بودن جرم اکتفا می‌کنیم. از طرف دیگر نیز تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌نماید که هرگاه بر اساس قرائن و امارات موجود، میزان ارزش مال مسروقه کمتر از دوست میلیون ریال باشد یا ارزش مال مورد کلاهبرداری کمتر از یکصد میلیون ریال باشد ضابطین دادگستری و قاضی کشیک حق توقیف متهم را ندارند. پذیرش این نظر می‌تواند در برخی موارد بدان معنا باشد که اگر متهم قابل توقیف نباشد یا بدون قید آزاد گردد، سارقان بتوانند در برابر پلیس به سرقت مبادرت نمایند و بدون هرگونه واکنش از سوی پلیس مواجه گردند یا اینکه پلیس به دستگیری سارقان اقدام نمایند، لکن مقام قضایی بلافاصله آن‌ها را آزاد نماید (روستایی و رحمانیان، پیشین: ۱۷۵). از طرفی گروهی دیگر اعتقاد دارند که ضابطان و مقام قضایی می‌توانند در چنین جرایمی متهم را توقیف نمایند. قانون‌گذار در ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری اصل را بر غیرقابل گذشت بودن جرایم قرار داده است؛ زیرا جرم رفتاری برخلاف نظم عمومی است که هدف اول از مجازات مرتکب آن، جبران لطمه‌ی وارد شده به نظم عمومی است. بنابراین، جرایم قابل گذشت واجد جنبه‌ی استثنایی بوده و نیاز به تصریح قانون‌گذار دارند (خالقی ب، ۱۳۹۷: ۳۸). در نتیجه، در مقام تردید در قابل گذشت بودن یا غیرقابل گذشت بودن جرایم، باید به اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم رجوع و مجرمین مزبور را قابل توقیف و تعقیب دانست.

از طرف دیگر، ضابطان دادگستری در مواجهه با جرایم مشهود مکلفند تمامی اقدامات قانونی لازم را جهت حفظ آثار و علایم وقوع جرم و جلوگیری از فرار متهم بر اساس ماده‌ی ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ انجام دهند. تعیین ارزش مال مسروق در صلاحیت ضابط دادگستری نیست و حسب مورد ممکن است توسط شاکی یا توافق طرفین و جلب نظر کارشناس به طریقی که مقام قضایی مشخص می‌کند تعیین شود (مصدق، ۱۴۰۰: ۱۱۲). اطلاق ماده‌ی مذکور به ضابطان دادگستری این حق را می‌دهد که اگر با چنین جرایمی به نحو مشهود مواجه شدند در صورتی که ضرورت اقتضا کند بتوانند متهم را توقیف نمایند (متوصلی محمودآبادی، ۱۳۹۸: ۳۳). بنابراین، ارتکاب جرایم کلاهبرداری و سرقت به نحو مشهود، دخالت ضابطان دادگستری و اقدامات لازم از جانب آنان را توجیه می‌کند و قابل گذشت بودن یا نبودن جرایم مذکور در این امر دخیل نیست بلکه معیار، ارتکاب جرم به نحو مشهود است.

همچنین اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب اقتضاء می‌کند که هرگاه دادرسی از وقوع جرم مطلع شود باید تعقیب کیفری را به جریان اندازد و نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. در مورد جرایمی که نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارند، دادرسی با تحقق شرایط لازم اقدام به شروع به تعقیب کیفری می‌نماید؛ بنابراین اگر ضابط دادگستری یا مقام قضایی در قابل تعقیب بودن جرایم مذکور تردید کند باید بر اساس اصل الزامی بودن تعقیب اقدام به تعقیب کیفری نماید. علاوه بر این در جرم سرقت بطور خاص بر اساس ماده‌ی ۲۷۶ قانون مجازات

۱. ماده‌ی ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه‌ی تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره‌ی جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله‌ی وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه‌ی وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره‌ی تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده‌ی (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.»

اسلامی^۱ اصل بر حدی بودن سرقت است؛ بنابراین جرم سرقت ابتدا باید از لحاظ حدی بودن مورد بررسی قرار بگیرد و در صورت فقدان شرایط مربوط به حد، نوبت به بررسی سرقت‌های مشدد و سپس سرقت ساده می‌رسد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵: ۳۷۶). در نتیجه از آنجایی که در موضوع سرقت اصل بر حدی بودن سرقت است و سرقت حدی نیز غیرقابل گذشت است، بنابراین می‌توان جواز تعقیب این جرم را به ضابطان و مقام قضایی داد.

با توجه به مطالبی که بیان گردید به نظر می‌رسد که غیرقابل گذشت دانستن جرایم مزبور دارای اولویت باشد، زیرا ما هنگامی می‌توانیم به اصول و تفاسیر به نفع متهم مراجعه کنیم که از طریق دیگری حکم قضیه بر ما روشن نشود، حال آنکه در موضوع فوق دلایلی در جهت غیرقابل گذشت بودن جرایم ارتكابی نمایان است که باعث می‌شود با وجود چنین دلایلی نوبت به اصول و تفاسیر نرسد.

۲-۲. مسئول پرداخت هزینه کارشناسی در ارتباط با ارزش گذاری اموال مسروقه و

مورد کلاهبرداری

از جمله چالش‌های شکلی دیگر مرتبط با جرایم کلاهبرداری و سرقت، مسئولیت پرداخت هزینه کارشناسی است. کارشناسی تحقیقی است که دادگاه به منظور تمیز حق یا تمهید مقدمات بر عهده‌ی شخص صلاحیت‌داری به نام کارشناس قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که اطلاعات فنی، علمی، حرفه‌ای را که در اختیار دادگاه نیست در اختیار دادرس قرار دهد یا استنباط و اعتقاد خود از قرائن فنی یا علمی را بیان کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۱۶). مقام قضایی برای انجام اقدامات اولیه ناچار از ارجاع موضوع به کارشناس است؛ زیرا تعیین قیمت اموال مسروقه و مورد کلاهبرداری از جمله امور تخصصی و مستلزم دارا بودن اطلاعاتی است که مقام قضایی فاقد آن است. همچنین با توجه به آنکه جرایم کلاهبرداری و سرقت در زمره‌ی جرایم قابل گذشت نسبی می‌باشند، فلذا ارزش گذاری اموال موضوع جرم واجد آثار شکلی متعددی است. بعنوان نمونه یکی از وظایف دادستان در برخورد با جرایم قابل

۱. ماده‌ی ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی: «سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است».

گذشت اطلاع به بزهدیده به نحو مقتضی است که این موضوع فرع بر ارجاع ابتدایی امر به کارشناس و همچنین تشخیص قابل گذشت بودن جرم می‌باشد.^۱

سؤالی که ممکن است در این خصوص مطرح شود آن است که در صورت ارجاع امر به کارشناس مسئولیت پرداخت هزینه‌ی کارشناسی بر عهده‌ی چه کسی است؟ به نظر می‌رسد که پرداخت هزینه باید از طرف مقام قضایی و از محل اعتبارات مصوب قوه‌ی قضائیه انجام گیرد؛ زیرا طبق ماده‌ی ۵۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر ممنوعیت تحمیل هزینه‌ها بر شخص شاکی و متهم و پرداخت هزینه‌ها از محل اعتبارات مصوب قوه‌ی قضائیه است. بنابراین در مقام تردید باید به اصل ممنوعیت پرداخت هزینه توسط شخص شاکی و متهم مراجعه کرد. همچنین پرداخت هزینه‌ی کارشناسی جزئی از هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر پیشبرد فرایند کیفری توسط مراجع قضایی است؛ بنابراین اطلاق صدر ماده‌ی ۵۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، شامل هزینه‌های مربوط به کارشناسی نیز می‌شود (خالقی ب، ۱۳۹۷: ۵۸۷). از طرفی اگر امکان تقویم قیمت از جانب طرفین ممکن نبوده و اداره‌ی امور مالی قوه‌ی قضائیه نیز در موضوع درخواست مقام قضایی برای پرداخت هزینه‌ی کارشناسی به دلیل عدم تخصیص بودجه امکان پرداخت هزینه برای جلب نظر کارشناس را نداشته باشد، مقام قضایی می‌تواند راساً مبلغ را تعیین نموده و اگر امکان تعیین مبلغ توسط مقام قضایی هم ممکن نباشد باید بر اساس اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم، جرم ارتكابی را غیرقابل گذشت دانسته و بر اساس آن اقدام به تعیین مجازات نماید.

البته ارجاع موضوع به کارشناس می‌تواند خود با ایرادات و چالش‌های عدیده‌ای مواجه باشد. یکی از ایرادات وارد بر این موضوع آن است که ارجاع امر به کارشناس و انتظار برای اعلام نظر او می‌تواند موجب اطاله‌ی دادرسی در همان بدو تشکیل پرونده گردد. چنین اطاله‌ای اگرچه در دادرسی مدنی قابل توجیه است، اما در دادرسی‌های کیفری مغایر با لزوم

۱. تبصره‌ی ماده‌ی ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «چنانچه جرم کشف شده از جرائمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزهدیده می‌رسد.»

سرعت در تحقیقات مقدماتی می‌باشد.^۱ ایراد دیگر متضمن آن است که قرار ارجاع به کارشناس باید توسط مرجع قضایی صورت گیرد. حال آنکه قانون‌گذار در جرایم سرقت و کلاهبرداری علاوه بر تغییر در ماهیت عمومی جرم، مجازات عمل را نیز تابعی از قابل گذشت بودن یا نبودن جرم دانسته است؛ که این موضوع در برخی موارد می‌تواند باعث شود که جرم به طور مستقیم در صلاحیت دادگاه قرار گیرد و مرجع مزبور برای صدور قرار قابل تشخیص نباشد. از طرفی در برخی موارد ممکن است در صورت سرقت وسایل گوناگون و متفاوت امکان ارجاع به کارشناس با توجه به تخصص آن‌ها به نحو دقیق ممکن نباشد (روستایی و رحمانیان، پیشین: ۱۷۰). صرف نظر از ایرادات مذکور آنچه بعنوان یک چالش شکلی در این بخش مورد بحث واقع شد، موضوع مسئولیت پرداخت هزینه‌ی کارشناسی بوده است، که مطابق اصول و عموماً مشخص گردید که مسئولیت پرداخت هزینه‌ی کارشناسی با دستگاه قضایی و از محل اعتبارات مصوب قوه‌ی قضائیه می‌باشد.

۲-۳. ابهام ناظر بر صدور قرار تأمین کیفری نسبت به جرایم قابل گذشت نسبی

تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و توسعه‌ی جرایم قابل گذشت نسبی از جمله کلاهبرداری و سرقت به ابهامات و چالش‌هایی در صدور قرار تأمین کیفری نسبت به جرایم مذکور منجر شد و پرسش‌هایی را در ذهن ایجاد کرد. بعنوان نمونه، در صورت ارتکاب جرایم کلاهبرداری یا سرقت، تکلیف مقام قضایی در صدور قرار تأمین کیفری چه می‌باشد؟ آیا مقام قضایی می‌تواند بدو اقدام به صدور قرار تأمین نماید یا خیر؟ به عبارت دیگر، صدور قرار تأمین کیفری در جرایم کلاهبرداری و سرقت مستلزم اثبات قابل گذشت بودن یا غیرقابل گذشت بودن جرایم مذکور می‌باشد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت، از یک سو صدور قرار تأمین کیفری مخالف اصل برائت است و عدالت کیفری در این زمینه ایجاب می‌کند پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به آزادی اشخاص و یا اموال فردی که تحت

۱. در این زمینه می‌توان به مواد ۹۴، ۹۵ و ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود که هر یک به نوعی بر لزوم سرعت در تحقیقات مقدماتی تأکید ورزیده‌اند.

پیگرد جزایی قرار دارد صورت نگیرد. لذا قرارهای تأمین که با اصول یاد شده مغایرت آشکار دارد و زیان‌های آن نیز غیرقابل جبران است نباید اعمال شوند یا دست کم باید اعمال آن‌ها محدود گردد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). از طرفی دیگر باید توجه داشت که در صورت وجود دلایل کافی برای توجه اتهام نسبت به متهم، مقام قضایی باید اقدام به صدور قرار تأمین کیفری نماید. به این معنا که اگر ارتکاب جرم برای مقام قضایی مورد اثبات قرار گیرد وی مکلف است که اقدام به صدور قرار تأمین کیفری نماید (خالقی ب، ۱۳۹۷: ۲۶۸). به عبارت دیگر، ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار و تبانی و بویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیدگان و قربانیان جرم اقتضاء می‌نماید که در پاره‌ای از موارد و با وجود دلایل کافی برای ارتکاب جرم، قبل از اعلام نظر قطعی در خصوص اتهام، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او یا سایر افراد فراهم شود. فلذا قابل گذشت بودن یا نبودن جرم ارتكابی تأثیری در صدور قرار تأمین ندارد بلکه معیار، ارتكاب جرم و وجود دلایل کافی برای توجه اتهام نسبت به متهم می‌باشد. بنابراین، در صورت ارتكاب جرم سرقت و کلاهبرداری، صدور قرار تأمین کیفری مستلزم انتظار مقام قضایی مبنی بر تعیین ارزش اموال موضوع جرم جهت تشخیص قابل گذشت بودن یا نبودن جرم ارتكابی نمی‌باشد و وجود دلایل کافی مبنی بر ارتكاب جرم توسط متهم پس از تفهیم اتهام راه را برای صدور قرار تأمین کیفری هموار می‌کند.

۲-۴. شرط «داشتن بزه‌دیده» در جرم کلاهبرداری

قانون کاهش حبس تعزیری در مقام توسعه‌ی موارد جرایم قابل گذشت، در خصوص جرایم انتقال مال غیر، کلاهبرداری و موارد در حکم کلاهبرداری مقرر داشته است: «... و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده‌ی (۳۶) قانون مجازات اسلامی بیشتر نباشد و نیز کلیه‌ی جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره‌ی آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده ... قابل گذشت است». عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» موجد

چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه قضایی...؛ کوشکی و زندی | ۱۴۱ |

طرح این پرسش می‌شود که عبارت مذکور ناظر به جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری نیز می‌شود یا صرفاً ناظر به جرایم در حکم کلاهبرداری است؟

قانون‌گذار کیفری در برخی مواقع به جای عنوان‌سازی جدید و مطابقت آن با عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم از عناوین کمکی و از پیش تعیین شده برای نام‌گذاری و توصیف رفتار مجرمانه استفاده می‌کند که اصطلاحاً به این اقدام ارجاع کیفری گفته می‌شود. مطابق این شیوه از قانون‌گذاری با تعیین عناوین قدیمی، جرم جدید از نظر وصف، کیفر و حتی آثار حقوقی دیگر به عناوین کلاسیک ارجاع داده می‌شود (میرمحمد صادقی، لکی، ۱۳۹۷: ۲۵۷). ارجاع کیفری در حقوق ایران در باب وصف‌گذاری به دو شیوه انجام می‌شود: نخست قانونگذار ضمن بیان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم مقرر می‌دارد که این رفتار بعنوان مثال کلاهبرداری محسوب شده و یا مرتکب کلاهبردار است و بدین ترتیب عنوان و ضمانت اجرای کیفری به جرم کلاهبرداری ارجاع داده می‌شود. در روش دوم نیز قانون‌گذار پس از تعیین ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جرم، از اصطلاح در حکم استفاده می‌کند و رفتار جدید را در حکم یک رفتار مجرمانه از پیش تعیین شده قلمداد می‌کند (میرمحمد صادقی، لکی، ۱۳۹۷: ۲۵۷).

اما در بحث از قید «داشتن بزه‌دیده» برای قابل‌گذشت دانستن این جرایم، ابتدا باید اشاره کرد که این شرط تنها به جرایم در حکم کلاهبرداری، جرایمی که مجازات کلاهبرداری برای آنان تعیین شده و جرایمی که به موجب قوانین خاص کلاهبرداری محسوب می‌شود قابلیت اعمال دارد. به این معنا که جرایم فوق در صورتی که دارای بزه‌دیده باشند قابل‌گذشت و در صورتی که فاقد بزه‌دیده باشند غیرقابل‌گذشت محسوب می‌شوند. مانند جرم فروش ارز دولتی در بازار آزاد که جرم در حکم کلاهبرداری است، اما از آنجایی که بزه‌دیده خاص ندارد قابل‌گذشت نیست (مصدق، پیشین: ۱۱۱). از سوی دیگر قید وجود یا فقدان بزه‌دیده نسبت به جرم کلاهبرداری و انتقال مال غیر قید موضوعیت ندارد؛ زیرا، این جرایم همواره دارای بزه‌دیده خاص هستند (همان: ۱۱۲). همانطور که شرط رسیدن ارزش مال موضوع جرم به نصاب مقرر در ماده‌ی (۳۶) نیز صرفاً ناظر به جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده‌ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و

کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد و در خصوص در حکم کلاهبرداری و ... صدق نمی‌کند. این مبنا در نظریه‌ی مشورتی اداره‌ی کل حقوقی قوه‌ی قضائیه نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به موجب نظریه‌ی مذکور: «در بزه کلاهبرداری که بردن مال غیر به نحو متقلبانه است، فرض نداشتن بزه‌دهنده قابل تصور نیست و در ماده‌ی ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹، بزه کلاهبرداری فقط به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد، قابل گذشت اعلام شده است و عبارت «در صورت داشتن بزه‌دهنده» ناظر به جرایم «در حکم کلاهبرداری» و جرایمی است که «مجازات کلاهبرداری درباره‌ی آن‌ها مقرر شده است» یا «طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود» و قابل گذشت بودن این جرایم مشروط به نصاب خاصی نیست.

۲-۵. معیار قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن اموال مسروقه‌ی غیرقابل تقویم

از جمله شرایط لازم برای قابل گذشت دانستن سرقت‌های تعزیری مندرج در ماده‌ی ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، کمتر بودن ارزش اموال مسروقه از دوست میلیون ریال می‌باشد. وجود چنین شرطی همواره سرقت اموال غیرقابل تقویمی همچون اسناد و مدارک شناسایی و اسناد مالکیت و سایر اسناد را با چالش جدی مبنی بر قابل گذشت دانستن یا ندانستن آن‌ها مواجه می‌کند. به این ترتیب این پرسش مطرح می‌شود که اگر فردی اسناد و مدارک متعلق به شخص دیگری را سرقت نماید^۱ جرم مذکور در زمره‌ی جرایم قابل گذشت است یا خیر؟ و در فرض قابل گذشت دانستن آن معیار و ملاک برای محاسبه‌ی حد نصاب مقرر قانونی چه می‌باشد؟

از طرفی، می‌توان بیان داشت که از جمله شرایط لازم برای قابل گذشت دانستن سرقت‌های تعزیری مندرج در ماده‌ی ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی آن است که ارزش مال مسروقه کمتر از دوست میلیون ریال باشد و در مانحن‌فیه به دلیل عدم امکان

۱. چالش مذکور صرفاً ناظر به جرم سرقت می‌باشد و جرم کلاهبرداری را شامل نمی‌شود؛ زیرا از جمله شرایط تحقق بزه کلاهبرداری ورود ضرر مالی به بزه‌دهنده و انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص مورد نظر وی می‌باشد (میرمحمدصادقی، پیشین: ۹۴) که در خصوص اموال غیرقابل تقویم صدق نمی‌کند.

قیمت‌گذاری اموال مذکور، تحقق شرط حد نصاب منتفی شده و طبق اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم، باید سرقت اموال غیر قابل تقویم را غیر قابل گذشت تلقی نمود، همچنین اداری حقوقی قوه قضائیه نیز در یک نظریه مشورتی بر این موضوع تأکید کرده است.^۱ این نظر غیر منطقی و خلاف اصل انصاف و عدالت می‌باشد؛ به دلیل اینکه یکم؛ در صورتی که از طریق دادگاه حقوقی اقدام به طرح دادخواست مطالبه خسارت شود، دادگاه موضوع را به کارشناسی ارجاع خواهد داد و کارشناس مکلف به قیمت‌گذاری بر اساس معیارهای تخصصی است. دوم؛ برخی از مصادیق مذکور در نظریه مشورتی همچون مدارک شناسایی افراد از قبیل کارت پایان خدمت، گواهینامه و... در بازار سیاه بزهکاران خرید و فروش می‌شوند پس قابل ارزش‌گذاری مالی می‌باشند. سوم؛ در صورت مفقودی برخی از مدارک، ادارات دولتی برای صدور المثنی آن‌ها هزینه‌ای دریافت خواهند کرد که می‌تواند مأخذی برای ارزش‌گذاری ریالی آن‌ها باشد. چهارم؛ نتیجه‌ی این تفسیر غیر منطقی خواهد بود چراکه سرقت دو میلیون تومان وجه نقد قابل گذشت است، اما سرقت عابر بانکی که پولی در حساب متصل به آن موجود نیست غیر قابل گذشت خواهد بود. پنجم؛ دیدگاه اخیر در راستای تفسیر به نفع متهم نیز بوده و از تحمل کیفر زائد بر بزهکار در موضع شک جلوگیری می‌کند (احمدزاده، تام، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد که نمی‌توان سرقت تمام اسناد مذکور را قابل گذشت تلقی کرد و در مسیر تعیین قابل گذشت دانستن اسناد باید به موضوع، ارزش خود سند، هزینه‌ای که برای تحصیل و اخذ آن سند باید انجام گیرد و همچنین ارزش مالی که سند بیانگر مالکیت آن می‌باشد نیز توجه نمود.

۱. نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۹/۸۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۸؛ با توجه به اصل غیر قابل گذشت بودن بزه سرقت و حصری بودن موارد قابل گذشت در ماده‌ی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و لحاظ اینکه در ماده‌ی ۱۰۴ شرط قابل گذشت بودن ناظر بر اشیایی است که قابلیت ارزش‌گذاری مالی را داشته باشد و در خصوص اشیایی نظیر مدارک شناسایی اشخاصی که تعیین ارزش آن‌ها صرفاً بر اساس ارزش مالی عرفی آن‌ها نمی‌باشد موضوع منصرف از ماده‌ی ۱۰۴ قانون فوق‌الذکر بوده و بزه سرقت اشیای مزبور غیر قابل گذشت محسوب می‌شود.

۲-۶. اخذ اطلاعات بیومتریک در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی

یکی دیگر از چالش‌های ناشی از اجرای قانون کاهش مجازات در مرحله‌ی تعقیب مربوط به اخذ اطلاعات بیومتریک از شخص متهم می‌باشد. در نظر بگیریید متهمی مرتکب جرم سرقت یا کلاهبرداری موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گردیده است، حال اگر شاکی گذشت نموده باشد و به شخص متهم دسترسی حاصل نشود تکلیف مقام قضایی در مواجهه با پرونده چیست؟ آیا مقام قضایی به استناد گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند یا در جهت اخذ اطلاعات بیومتریک قرار بایگانی موقت پرونده بر اساس ماده‌ی ۱۰۴ اعمال خواهد شد؟

از واژه‌ی بیومتریک تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه شده است. بر اساس یکی از این تعاریف، بیومتریک به طیفی گسترده از فناوری‌هایی گفته می‌شود که هویت افراد را به کمک اندازه‌گیری و تحلیل خصوصیات انسانی شناسایی می‌کند. در یک تعریف عمومی بیومتریک را علم و فناوری اندازه‌گیری و تحلیل آماری داده‌های بیولوژیک تعریف کرده اند (رضایی، افخمی، سجادیان، ۱۳۸۹: ۱۰۸) با این حال به نظر می‌رسد تعریف دقیق‌تر از بیومتریک عبارت است از خصوصیت فیزیولوژیکی یا ویژگی رفتاری منحصر به فرد و متمایز کننده، مقاوم و قابل سنجش که بتواند جهت تعیین یا تأیید خودکار هویت افراد به کار رود (روشن قلب دیلمی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

اما در پاسخ به ابهام و چالش مزبور باید توجه داشت که تعقیب و تحقیق در جرایم قابل گذشت با شکایت شاکی آغاز و با گذشت او پایان می‌پذیرد و صدور قرار توقف تحقیقات نیز فرع بر عدم موقوفی تحقیقات مقدماتی است. بنابراین، در چنین فرضی نمی‌توان قائل به صدور قرار توقف تحقیقات بود. از سوی دیگر قانون‌گذار در بند الف ماده‌ی ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری موضوع ثبت اطلاعات متهمان متواری را پیش‌بینی نموده و همچنین بر اساس تبصره‌ی ماده‌ی ۸ آیین‌نامه‌ی سجل قضایی نیروی انتظامی را موظف کرده است که از طریق همکاری با سازمان ثبت احوال و سایر مراجع ذی‌ربط تدابیر لازم را جهت احراز

چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه‌ی قضایی...؛ کوشکی و زندی | ۱۴۵ |

هویت کلیه‌ی متهمان فراری و متواری و استخراج اطلاعات مربوط اتخاذ کند که این موضوع مستلزم جریان پرونده‌ی کیفری می‌باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مقام قضایی با گذشت شاکی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب است و صدور قرار توقف تحقیقات منوط به جریان داشتن تحقیق می‌باشد، لذا باید در نظر گرفت در صورت گذشت شاکی موجبی جهت قرار توقف تحقیقات در جهت اخذ اطلاعات بیومتریک باقی نمی‌ماند.

نتیجه

با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قانون‌گذار از طریق توسعه‌ی نهادهای ارفاقی، کاهش میزان حبس و افزایش دامنه‌ی جرایم قابل گذشت، سیاست حبس‌زدایی را اجرا نمود. قانون مزبور اگرچه در کاهش مجازات حبس سودمند است، اما باعث بروز چالش و خلاءهایی گسترده در نظام قانونی و رویه‌ی قضایی گردیده است. چالش‌های ناظر بر قابل گذشت دانستن نسبی جرایم کلاهبرداری و سرقت با توجه به مبالغ آن‌ها از آن جمله است که باعث تغییر و تحولاتی در فرایند شروع به تعقیب کیفری شده است. در بحث شروع به تعقیب و اقدامات ضابطان در این زمینه علی‌رغم اختلافات فراوانی که بین حقوقدانان برقرار است به نظر می‌رسد که اصل بر غیرقابل گذشت بودن این جرایم و اقدام به تعقیب کیفری توسط ضابطان در فرض ارتکاب جرایم فوق است. در خصوص پرداخت هزینه‌ی کارشناسی نیز که مبنای شروع به تعقیب و اقدامات دیگر در این زمینه می‌باشد ملاک پرداخت هزینه از اعتبارات مصوب قوه‌ی قضائیه می‌باشد و در صورت عدم تخصیص بودجه باید بر اساس ملاک غیرقابل گذشت بودن جرایم اقدام گردد. در موضوع تعیین قرار مناسب نیز مقام قضایی باید بدون توجه به قابل گذشت بودن جرایم و براساس برآورد اولیه اقدام به تعیین جزای نقدی جهت صدور قرار تأمین بنماید و پس از ارجاع به کارشناس می‌تواند مبلغ لازم را تعیین کند. از سوی دیگر مهم‌ترین چالشی که باعث اختلاف شدید در رویه‌ی قضایی گردیده موضوع تعدد جرایم قابل گذشت و ملاک مناسب برای تعیین قابل گذشت دانستن جرایم است که به نظر می‌رسد اصل بر استقلال جرایم در نحوه‌ی تشخیص و تعیین است

مگر اینکه کیفیت جرایم به گونه‌ای باشد که اعمال ملاک تجمیعی را توجیه کند، با وجود چنین معیاری اما اختلاف نظر همچنان به نحو گسترده‌ای بین مقامات قضایی وجود دارد و بهتر می‌باشد از طریق رای وحدت رویه نسبت به موضوع فوق تعیین تکلیف صورت گیرد. از جمله دیگر خلاءهای حاکم بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مربوط به تقویم اموال غیرقابل تقویم، اخذ سوابق بیومتریک و تفسیر مفهوم فقدان بزه‌دیده در جرایم مربوط به کلاهبرداری می‌باشد که شایسته است نسبت به موضوعات فوق نیز راهکارهایی توسط قانونگذار پیش‌بینی گردد. علاوه بر چالش‌های فوق که عمدتاً مسائل و موارد مربوط به امور شکلی را مورد پوشش قرار می‌داد، برخی از چالش‌ها نیز حاکم بر موضوعات و موارد ماهوی بوده از جمله می‌توان به چالش حاکم بر تعیین مجازات جزای نقدی در فرض تعدد جرم اشاره کرد. قانون کاهش علاوه بر تغییرات گسترده در جهت حبس‌زدایی مقررات مربوط به تعدد جرایم را نیز مورد تغییر و تحول قرار داد که در اثر چنین تغییراتی چالش مزبور پدید آمد که علی‌رغم اختلاف نظر بین حقوقدانان به نظر می‌رسد فرض یک مجازات اشد دارای اولویت باشد و باید از سیاست جمع مجازات‌ها خودداری کنیم. مجموع چالش‌های فوق و سیاست سهل‌گیرانه نسبت به مجرمان که در بسیاری از مواد مربوط به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به چشم می‌خورد باعث شده که عده‌ای از قضات از اعمال مقررات راجع به کاهش مجازات نسبت به متهمان خودداری کنند. این چالش نیز باید به چالش‌های فوق افزوده شده و در جهت رفع آن از سیستم قضایی اقدام گردد. النهایه قانون کاهش علی‌رغم نکات مثبتی که می‌تواند داشته باشد حاوی نکات و چالش‌هایی نیز بوده است که برخی از آن‌ها در این گفتار مورد بررسی و ارائه راهکار قرار گرفت.

منابع

الف. فارسی

آشوری، محمد (۱۳۹۴)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران.

احمدزاده، رسول، تام، مجتبی (۱۴۰۰)، ملاحظاتی درباره‌ی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چ ۳، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضائیه.

بسامی، مسعود (۱۳۹۸)، تعدد جرم (علمی-کاربردی)، چ ۱، انتشارات قوه‌ی قضائیه.

بهره مند، حمید (۱۳۹۶)، «سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله‌ی راهبرد، شماره‌ی ۸۲*.

پورقهرمانی، بابک، نگهدار، ایرج (۱۳۹۷)، «ارزیابی رویکرد قضات نسبت به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه‌ی موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، *مجله‌ی مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره‌ی ۲*.

حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷)، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، *مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۶۴*.

خالقی، علی (۱۳۹۶)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، چ ۳۴، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

خالقی، علی (۱۳۹۷)، *نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری*، چ ۱۱، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۲۷۶۶/۱۴۰۰۳۷۳۹۰۰۰۰ صادره از شعبه‌ی ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان.

دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۳۱۱۵۵۸/۱۴۰۰۴۱۳۹۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۶ صادره از شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بهمئی.

۱۴۸ | فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری | دوره دوازدهم | شماره ۴۵ | زمستان ۱۴۰۲

دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۷۰۹۹۸۶۳۰۴۰۰۱۴۰۹، مورخ ۹۹/۰۲/۲۹ صادره از شعبه‌ی ۲ دادگاه تجدیدنظر خوزستان.

دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۷۶۳۱۱۲۰۰۸۱۹، مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ صادره از شعبه‌ی ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان آبادان.

دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۷۷۴۲۴۴۵۵۶۴۷، صادره از شعبه‌ی ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ بهمئی.

دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۸۶۱۳۹۲۰۰۱۴۷، صادره از شعبه‌ی ۱۰۳ دادگاه کیفری دو بهبهان. دادنامه‌ی صادره از شعبه‌ی ۱۰۵ دادگاه کیفری ۲ اهواز.

دادنامه‌ی صادره از شعبه‌ی ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ اهواز ۱۴۰۰/۰۸/۱۴

رضایی، سیدیحیی، افخمی، مهری، سجادیان، عبدالله (،) «نقش عوامل بیومتریکی در تشخیص هویت»، فصلنامه‌ی مطالعات علمی، شماره‌ی.

روستایی مهرانگیز، رحمانیان حامد (۱۴۰۰)، «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۱۱۳.

روشن قلب دیلمی، عیسی، هندیانی، عبدالله، فخرز، میررحیم، طالبیان، حسین (۱۴۰۰)، «جمع‌آوری ادله‌ی جرم بر مبنای اطلاعات بیومتریکی»، فصلنامه‌ی علمی کارآگاه، شماره‌ی ۵۴.

شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۵)، تعدد جرم نظریه‌ها و رویه‌ها، چ ۱، انتشارات میزان. غلامی، حسین (۱۳۸۲)، «تکرار جرم به عنوان حرفه‌ی مجرمانه»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره‌ی ۶۲.

غلامی، حسین، بشیریه، تهمورث، مرادی پسند، گلناز (۱۳۹۹)، «مبانی کیفرزدایی میان کنشی اخلاقی فلسفی و حقوقی»، مجله‌ی پژوهش‌های اخلاقی، شماره‌ی ۳.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، اثبات و دلیل اثبات، ج ۲، چ ۳، انتشارات میزان.

کوزه‌گر کالجی، عبدالمجید (۱۳۹۰)، اصول حاکم بر قرارهای تأمین کیفری، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز.

چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه‌ی قضایی...؛ کوشکی و زندی | ۱۴۹ |

متوصلی محمودآبادی، رضا، (۱۳۹۸)، ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر در فرآیند اجرای اختیارات و تکالیف ضابطان دادگستری، پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی. مصدق، محمد (۱۴۰۰)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چ ۳، انتشارات جنگل. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، حقوق کیفری اختصاصی ۲، جرایم علیه اموال و مالکیت، چ ۴۹، نشر میزان.

میرمحمدصادقی، حسین، لکی، زینب (۱۳۹۸)، «رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری منصفانه»، مجله‌ی پژوهش کیفری، شماره‌ی ۲۷. ناظرزاده، فرناز، «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی ۶۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تیرگرفاخری، نریمان (۱۳۷۷)، «تلاش‌های بین‌المللی و قانون‌گذار کیفری ایران برای تحدید موارد و اعمال مجازات سالب آزادی»، نشریه‌ی مدرس علوم انسانی، شماره‌ی ۹.

ب. عربی

شهیدثانی (۱۳۸۴)، شرح اللمعه، ج ۱۴، چ ۴، انتشارات دارالعلم. علامه حلی (۱۴۲۰)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۵، چ اول، ناشر مؤسسه امام صادق. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

References

Lawsuits

Law No. 140037390000132766, issued by Branch 21 of the Court of Appeal of Khuzestan Province.

Prosecution No. 140041390001311558, dated 06/08/1400, issued by Branch 101 of the Criminal Court of two Bahmai cities.

Decree No. 9909976311200819, dated 27/05/2013, issued by Branch 102 of the Criminal Court of two Abadan cities.

Prosecution No. 9909977424455647, issued by Branch 101 of Criminal Court 2, Bahmai.

Document No. 9909986139200147, issued by the 103rd branch of Do Behbahan Criminal Court.

Decree No. 9709986304001409, dated 29/02/99, issued by Branch 2 of the Court of Appeal of Khuzestan.

Prosecution issued by branch 105 of Ahvaz Criminal Court 2.

Prosecution issued by Branch 113 of Ahvaz Criminal Court 2, 08/14/1400

Translated References into English

Ahmadzadeh, Rasool, Tam, Mojtabi (1400), Considerations about the Law on Reducing Ta'ziri Imprisonment Punishment, Ch3, Judiciary Press and Publications Center. [In Persian]

Allameh Hali (1420), Tahrir al-Ahkam al-Sharia Ali Madhhab al-Umamiya, Vol. 5, Ch. 1, publisher of Imam Sadiq Institute. [In Arabic]

Ashuri, Mohammad (2014), alternatives to prison or intermediate punishments, Ch. 2, Tehran University Publications. [In Persian]

Basami, Masoud (2018), Multiplicity of Crimes (Scientific-Applicable) Vol. 1, Judiciary Publications. [In Persian]

Behrmand, Hamid, "Politics of de-incarceration in the legislative system of the Islamic Republic of Iran", Strategy magazine, No. 82, Spring 2016, pp. 357-382. [In Persian]

Pourkohermani, Babak, Naghdar, Iraj, "Evaluation of Judges' Approach to the Implementation of New Afraq Institutions (Case Study of Criminal Courts of Kurdistan Province)", Journal of Criminal Law and Criminology Studies, No. 2, Fall and Winter 97, pp. 227-255. [In Persian]

Haji Tabar Firouzjaei, Hassan, "The Place of Imprisonment Alternatives in Iran's Criminal Justice System (Present and Future)", Legal Journal of Justice, No. 64, Fall 87, pp. 68-88. [In Persian]

Khaleghi, Ali (2016), Criminal Procedure Code, Vol. 1, Ch. 34, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. [In Persian]

Khaleghi, Ali (2017), Points in Criminal Procedure, Ch. 11, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. [In Persian]

Rezaei, Sidihhi, Afkhami, Mehri, Sajjadian, Abdullah, "The role of biometric factors in identity recognition", Scientific Studies Quarterly. [In Persian]

Mehrangiz village, Rahmanian Hamed, "Civilization of criminal law in the light of the law on reducing the punishment of imprisonment", Judicial Law Journal, No. 113, Spring 1400, pp. 161-184. [In Persian]

Roshan Qalb Deilmi, Isa, Hendyani, Abdullah, Fakhrez, Mirrahim, Talebian, Hossein, "Collecting evidence of crime based on biometric

information", Detective Science Quarterly, No. 54, Spring 1400, pp. 143-163. [In Persian]

Shaykh al-Islami, Abbas (2015), Theories and Procedures, Vol. 1, Mizan Publications. [In Persian]

Gholami, Hossein, "Crime repetition as a criminal profession", Law and Political Science Faculty Journal, No. 62, Winter 82, pp. 285-315. [In Persian]

Gholami, Hossein, Bashiriyeh, Thammorth, Moradi Pansad, Golnaz, "Fundamentals of Decriminalization between Philosophical and Legal Moral Action", Ethical Research Journal, No. 3, Spring 2019, pp. 263-286. [In Persian]

Katouzian, Nasser (2008), proof and reason of proof, Vol.2, Ch.3, Mizan Publications. [In Persian]

Kozegar Kaleji, Abdul Majid (2013), principles governing criminal security orders, thesis for obtaining a master's degree, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Tehran Branch. [In Persian]

Mothashli Mahmoodabadi, Reza, (2018), guaranteeing the implementation of the violation of the defense rights of persons under surveillance in the process of implementing the powers and duties of judicial officers, thesis for obtaining a master's degree, Faculty of Law and Political Sciences of Allameh Tabatabai University. [In Persian]

Mossadegh, Mohammad (1400), Description of the Law on Reducing Ta'ziri Imprisonment Punishment, Chapter 3, Jangal Publications. [In Persian]

Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2015), Special Criminal Law 2, Crimes against Property and Ownership, Ch 49, Mizan Publishing. [In Persian]

Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, Leki, Zainab (2018), "A new approach to criminal reference in the light of the principle of fair description", Journal of Criminal Research No. 27, pp. 255-285. [In Persian]

Nazerzadeh, Farnaz, "Investigation of the procedure and attitude of judges of children's courts in Tehran to alternatives to imprisonment", Judicial Law Perspectives Quarterly, No. 65. [In Persian]

Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Tirgarfakheri, Nariman, International efforts and Iran's criminal law to limit the cases and the application of custodial punishment, Modares Journal of Human Sciences, Winter 77, No. 9, pp. 101-114. [In Persian]

Shahid Thani (1384), Sharh al-Lamaa, Vol. 14, Ch. 4, Darul Alam Publications. [In Arabic]

۱۵۲ | فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری | دوره دوازدهم | شماره ۴۵ | زمستان ۱۴۰۲

استناد به این مقاله: کوشکی، غلامحسین؛ زندی، روح‌اله. (۱۴۰۲). چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری و سرقت، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۲(۴۵)، ۱۵۲-۱۲۱. doi: 10.22054/jclr.2024.70886.2535



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

